

واکاوی رابطه هویت ملی و میزان دین‌داری در مناطق در حال گذار (مورد

مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)

اصغر میرفردی*، عبدالله ولی نژاد**

(تاریخ دریافت ۹۵/۰۷/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۶/۰۲/۲۵)

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف ارزیابی و تحلیل رابطه هویت ملی و میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج، با استفاده از تلفیق نظریه هویت گیدنز، نظریه خود آینه-سان کولی و برجستگی هویتی استرایکر انجام شده است. بر اساس فرمول لین (۱۹۷۶)، حجم نمونه ۴۰۰ نفر محاسبه؛ که با روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز، پرسش‌نامه‌ای ۴۸ سؤالی، ترکیبی محقق‌ساخته و دیگران‌ساخته بوده که پس از تأیید اعتبار آن‌ها توسط صاحب‌نظران، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، هویت ملی (۰/۸۸۸) و میزان دین‌داری (۰/۹۳۹)، محاسبه و مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین هویت ملی و میزان دین‌داری دانشجویان رابطه معناداری وجود داشت؛ ولی هیچ تفاوت معناداری بین میزان دین‌داری پاسخ‌گویان با توجه به سن، محل سکونت و مقطع تحصیلی‌شان مشاهده نگردید. در نهایت متغیرهای مستقل توانستند ۲۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. نتیجه‌گیری کلی تحقیق این بود که مؤلفه‌های تشکیل دهنده دین‌داری و هویت

*دانشیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) amirfardi@shirazu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج abdollahvalinejad@gmail.com

ملی دانشجویان در جامعه مورد مطالعه، تعارضی با یکدیگر نداشته؛ و تا حدی به هم‌افزایی هر دو بعد هویتی می‌پردازند.

مفاهیم کلیدی: هویت ملی، دین‌داری، دانشجوی، دانشگاه یاسوج.

مقدمه و طرح مسئله

هویت ۱ به معنای «اقدام افراد در عنوان دادن به خود» (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۴)؛ دارای سطوح گوناگون فرهنگی، ۲، قومی، ۳، ملی، ۴، دینی، ۵ و ... است که از این میان، هویت ملی به معنای خواست مردم در بخشی از ملت خودشان بودن (تامپسون، ۲۰۰۱: ۲۱)؛ و هویت دینی نیز احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۳: ۱۹۶). هویت ملی، به خاطر نقشی که در ایجاد وفاق اجتماعی و انسجام عام دارد (رضایی و احمدلو، ۱۳۸۴: ۹)، می‌تواند دارای ارتباط با «دین‌داری‌ای» باشد که به عنوان بخشی از هویت دینی (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۶)، مقوله‌ای هویت-ساز (اشرفی، ۱۳۷۷)؛ از عوامل مهم ملیت (عالم، ۱۳۷۷: ۱۵۵) قوام‌بخش هویت ملی (حاجیان، ۱۳۷۹: ۲۱۹) و محرکی قوی برای فرد در زمینه احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه است (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۶-۱۸۷)؛ همان‌طور که گور، دین را مقوله‌ای تأثیرگذار در مفهوم قومیت (ایویکوویچ، ۲۰۰۰) و اندرسون ۸ نیز یکی از عناصر ملی‌گرایی را مذهب می‌داند (ریفر، ۲۰۰۳). شناخت جایگاه و وضعیت این دو متغیر، به عنوان مقولاتی با زمینه و پیشینه تاریخی دراز در ایران که به نظر می‌رسد کارکردی مشترک نیز داشته باشند دارای اهمیت راهبردی باشد. دین‌داری، به عنوان بخشی از هویت دینی؛ از منابع معنا بخشی به زندگی است. هویت ملی نیز دارای کارکردهای انسجام‌بخش است. این دو نوع هویت، از عوامل مهم همبستگی‌ای به شمار می‌آیند که در هر جامعه و کشوری مورد نیاز است. تحقیق‌های معدودی رابطه این دو متغیر را مورد واکاوی قرار داده‌اند؛ که از این میان، افروغ و احمدلو (۱۳۸۱)، لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳)، حیدری و همکاران (۱۳۹۲) امینی و همکاران (۱۳۹۳)، علوی و همکاران (۱۳۸۹) و سفیری و معماربانی (۱۳۹۰)

- 1 - Identity
- 2 - Cultural Identity
- 3 - Ethnical Identity
- 4 - National Identity
- 5 - Religious Identity
- 6 - Thompson, A.
- 7 - Ivekovic, I.
- 8 - Anderson
- 9 - Rieffer, B. J.

سورک و کوبانو (۲۰۰۹) و آکالیسکی (۲۰۱۲) در تحقیقات‌شان به این نتیجه رسیدند که دین‌داری و هویت ملی رابطه‌ای مستقیم و مثبت با یکدیگر دارند. در طرف مقابل، نتیجه پژوهش‌های حافظنیا و کاویانی (۱۳۸۵)؛ و موحد و صالحی (۱۳۹۲) نیز نشان از رابطه معکوس دین‌داری و هویت ملی داشته است. مطالعه میرفردی و ولی‌نژاد (۱۳۹۵) نیز بر تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر هویت ملی تأکید نموده است. شرایط در حال گذار در دنیای کنونی می‌تواند ویژگی‌های هویتی افراد را دستخوش دگرگونی‌هایی سازد و به تعبیر گیدنز (۱۳۸۳) گونه‌ای از هویت بازتابی را در پی داشته باشد. جامعه ایران به صورت عام و برخی از مناطقی که دیرتر از مناطق کلان‌شهری با تحولات نوین مرتبط شده‌اند و در دهه‌های اخیر بیشتر در پیوند با آن‌ها قرار گرفته‌اند، به صورت خاص، شرایط در حال گذار را تجربه می‌کنند. با وجود مطالعات گوناگونی که در زمینه هویت ملی و هویت دینی در کشور انجام شده است، وضعیت این دو متغیر مهم در جامعه در مناطق در حال گذار و با ترکیب‌های قومیتی کمتر مورد توجه بوده است. همچنین در طی دو دهه گذشته در برخی موارد برجسته‌سازی هویت ملی در جامعه از یک سو، و کم توجهی برخی از افراد با وجهه دینی به نمادهای باستانی هویت ملی و ملی‌گرایی، از سوی دیگر، نوعی ابهام را در زمینه وضعیت پیوند این دو متغیر مهم به وجود می‌آورد. دستیابی به شناخت علمی در باره این موضوع و ابهام‌زدایی از آن به ویژه در پیوند با جوانان در مناطق در حال گذار ضرورت دارد. در این راستا، این مقاله بر آن است تا وضعیت هویت ملی و میزان دین‌داری و ارتباط آن‌ها در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج- که بیشتر بومی استان هستند- را مورد واکاوی قرار دهد. متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش، ضمن این‌که می‌توانند حائز کارکردهای مشترکی باشند؛ توان بروز یک مرزبندی افتراقی را نیز دارا هستند. شیعه یا سنی، مسلمان یا مسیحی؛ و یهودی یا مسیحی بودن در بحث دین از یک طرف؛ لر، کرد، بلوچ و فارس؛ شمالی، جنوبی و یا غربی بودن در زمینه هویت ملی، و دارا بودن پیشینه قومی-قبیله‌ای تاریخی نیز از طرف دیگر توان جدا کردن افراد را از یکدیگر خواهد داشت. بر این اساس، به نظر می‌رسد رابطه مورد واکاوی در این تحلیل، از یکسو می‌تواند انسجام‌بخش و از طرف دیگر، تمایزآفرین باشد. ارزیابی و تحلیل رابطه بین دو متغیر و حصول به نتایج موثق، وابسته به انجام آن در جوامع آماری مختلف است. بر این اساس، انجام این تحقیق در کشور ایران و دانشگاه یاسوج که بخش اعظم دانشجویان آن، بومی استان کهگیلویه و بویر احمد؛ و لر زبان هستند می‌تواند به فهم بهتر موضوع کمک بیشتری بکند. انجام این تحقیق در جامعه ایران می‌تواند برای تبیین سیمای تحولات هویتی در پرتو تحولات، به ویژه در حوزه فناوری‌های ارتباطی ضرورت داشته

1 - Sorek, T., & Ceobanu, A. M.

2 - Akaliyski, P.

باشد. بافت نیمه سنتی استان کهگیلویه و بویراحمد و شرایط در حال گذار از سبک زندگی سنتی به زندگی شهری و مدرن نیز ضرورت انجام پژوهش‌های علمی در زمینه هویت در جامعه آماری دانشجویان دانشگاه یاسوج که می‌تواند تأثیرات فراوانی از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بر وضعیت این استان داشته باشد را بیشتر می‌سازد. بنابراین، این تحقیق در صدد ارزیابی و تحلیل رابطه هویت ملی و میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج است.

چارچوب نظری

مذهب و هویت دینی به عنوان نوعی از هویت که نقشی پر رنگ در زندگی مردم داشته، در آراء نظریه‌پردازانی مانند وبر^۱، دورکیم^۲، و گیدنز^۳ ریشه داشته (میتشل^۴، ۲۰۱۱)؛ و هویت ملی نیز در نظریه‌های نظریه‌پردازانی مانند اسمیت^۵، میلر^۶، پاردی و ویلس^۷ و گیدنز بخشی را به خود اختصاص داده است. در این بخش ابتدا نظریه‌های مربوط به دین‌داری و هویت ملی تشریح؛ و ابعاد آن‌ها تعریف می‌شود. سپس نظریه‌های هویتی مربوطه در قالب «هویت‌های گذشته و قدیم» گیدنز، «خود آینه‌سان» کولی و «برجستگی هویتی» استرایکر توضیح داده می‌شوند و در نهایت، جمع‌بندی نظری صورت می‌گیرد و فرضیه‌های پژوهش طرح می‌گردند.

دین‌داری

دورکیم به نقش مذهب بر میزان همبستگی میان افراد اشاره داشته و آن را از نیروهایی می‌داند که در فرد، احساس الزام اخلاقی به هواداری از درخواست‌های جامعه، ایجاد می‌کند (کوزر، ۱۳۸۰: ۱۹۶-۱۸۷)؛ وبر در مبحث مذهب، به عواقب اجتماعی باورها و رسوم توت‌مپرستان، رقص و دیگر فعالیت‌هایی که جنبه عبادی یافته و نسبت به اشیاء مقدس انجام می‌شوند، می‌پردازد (هیوز، ۱۳۶۹: ۲۸۰-۲۷۹) و گیدنز نیز برای مشخص شدن هویت فردی، افرادی را مثال می‌زند که احساس منسجمی نسبت به پیوستگی سرگذشت خویش ندارند و به بیان بهتر، فاقد هویت شخصی هستند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۳). سراج‌زاده (۱۳۷۵) به نقل از گلاک و استارک (۱۹۶۵) ابعاد مختلف دین‌داری را اینگونه تعریف می‌کند: بُعد «اعتقادی» یا باورهایی که انتظار می‌رود پیروان هر دینی به آن‌ها

-
- 1 - Weber, M.
 - 2 - Durkheim, E.
 - 3 - Giddens, A.
 - 4 - Mitchel, P.
 - 5 - Smith, A.
 - 6 - Miller, D.
 - 7 - Purdie, N., & Wilss, L.

اعتقاد داشته باشند. بُعد «احساسی» که ناظر بر عواطف، تصوّرات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا اقتداری متعالی است. بُعد «پیامدی» یا آثار دینی به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی؛ که بر زندگی روزمره پیروان هر دینی اشاره دارد. بُعد «مناسکی» شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آئین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و ... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن‌ها را به‌جا آورند. بُعد «دانشی» دین نیز مشتمل بر اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین است که پیروان باید آن‌ها را بدانند.

هویت ملی

از نظر آنتونی اسمیت (۱۳۸۳: ۳۰) «هویت ملی بازتولید ارزش‌ها، نمادها و سنت‌های به جا مانده از گذشتگان یک ملت است که هویت‌یابی افراد را بر اساس آن‌ها امکان‌پذیر می‌سازد». میلر می‌گوید لازمه هویت ملی، این است که همه افراد، چیزی به اشتراک داشته باشند؛ حس تعلقی که افراد در کنار یکدیگر، به واسطه وجود آن خصوصیات مشترک، به یکدیگر دارند. او آن چیز را فرهنگ عمومی مشترک می‌داند (میلر، ۱۹۹۵: ۲۵). پاردی و ویلس نیز، هویت ملی را هم دارای بُعد فردی و هم جمعی می‌دانند. در بُعد فردی، این نکته را که ما به عنوان افراد، چه کسی هستیم روشن می‌سازد؛ و در حالت جمعی، به ما کمک می‌کند که خودمان را در ارتباط با جامعه وسیع‌تر، تعریف کنیم (پاردی و ویلس، ۲۰۰۷: ۶۸). از میان ابعاد مختلف هویت ملی نیز که پدیده‌ای چندبُعدی است، در این تحقیق چهار بُعد «سرزمینی»، «سیاسی»، «تاریخی» و «فرهنگی» آن مد نظر قرار گرفته‌اند. بُعد «سرزمینی» هویت ملی؛ اشاره به سرزمین مشترک در جغرافیای سیاسی مشخص بُعد «سیاسی» آن به معنای احساس پذیرش و تعلق خاطر به مبانی ارزشی و نظام سیاسی برآمده از آن است که این پذیرش را جاری و محقق می‌سازد (گودرزی؛ ۱۳۸۱، ۳۰). در بُعد «تاریخی» آن، انسجام‌دهندگی و همانندسازی، کارکرد ویژه‌ی تعلق ملی است که فداکاری ملت را به عنوان یک سرمایه‌ی بزرگ، ضامن پیروزی، حفظ تمامیت سرزمینی و استقلال دولت‌ها در هنگامه جنگ و بحران داخلی و خارجی می‌نماید (رضوی‌دینانی و همکاران؛ ۱۳۸۹، ۳۰). در بُعد «فرهنگی» نیز می‌توان گفت مفهوم ملیت و انسجام ملی، مستلزم ارزش‌های مشترک، احساس‌های مشترک و دل‌بستگی به نمادهاست (حاجیان؛ ۱۳۷۹، ۱۹۳).

گیدنز: هویت‌های گذشته و جدید

گیدنز از جامعه‌شناسانی که به ساختار اجتماعی و فرد در این ساختار، در جریان کنش‌متقابل اجتماعی توجه می‌کند (ریتزر، ۱۳۸۷: ۶۰۵)؛ و تأمل و بازاندیشی در مورد هویت را منحصر به دوران

مدرنیته می‌داند. به زعم وی «در متن چالش‌های مدرن است که سنت و طبیعت، مرجعیت خود را از دست داده و فرد در یک فضای آکنده از اطلاعات، دائماً به تأمل در مورد هستی خویش می‌پردازند» (نش ۱، ۱۳۸۹: ۹۱). او، هویت شخصی را این‌گونه تعریف می‌کند: «هویت شخصی، در حقیقت همان «خود» است که شخص، آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد» (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۲). با توجه به رویکرد وی، می‌توان چنین گفت که فرد، در جریان هویت‌یابی خود به طور عام و هویت دینی و هویت ملی به طور خاص، موجودی صرفاً منفعل و پذیرنده نیست، بلکه به تفسیر هویت خویش می‌پردازد. به اعتقاد گیدنز، تأثیرهای متقابل محلی و جهانی‌اند که زندگی روزمره را بازسازی می‌کنند. او تأکید دارد هویت‌سازی پروژه‌ای بازتابانه است و از آن جایی که جهانی‌شدن شرایط بازسازی مداوم هویت را فراهم کرده است، افراد برای اتخاذ هویت خود، دست به انتخاب می‌زنند (گیدنز، ۱۳۸۳). گیدنز، بازاندیشی در خصوص هویت را خاص دوران مدرنیته می‌داند و عناصر مهم هویت شخصی را تفسیر فرد، بازاندیشانه بودن و تأملی بودن این تفسیر، احساس تداوم از سرگذشت یا همان زندگی‌نامه خویش می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۳) و برای نشان دادن هویت فردی، از افرادی که فاقد هویت شخصی هستند سخن به میان می‌آورد و آنان را افرادی که احساس منسجمی نسبت به پیوستگی سرگذشت خویش ندارند معرفی می‌کند. از نظر گیدنز این افراد به کامل بودن خود شک دارند و به همین دلیل ترسی بزرگ در اعماق وجودشان نسبت به خطرهای احتمالی نهفته است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۸۳). وی شرایط جدید در عصر حاضر را از مهم‌ترین دلایلی می‌داند که باعث شده است افراد تصمیم‌گیرندگان اصلی در زمینه ساخت «خود» باشند. به اعتقاد وی، شرایط مرتبط با جهانی‌شدن باعث رهایی افراد از محدودیت‌های مربوط به گذشته شده و آن‌ها را عاملان فعال بر زندگی خود کرده است (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۹۵).

بر این اساس، می‌توان با تکیه بر آراء گیدنز هویت‌ها را به دو دسته گذشته و جدید تقسیم نمود: الف- هویت‌های گذشته: به آن دسته از هویت‌هایی اشاره دارند که افراد در زمینه ساخت «خود»، تصمیم‌گیرندگان اصلی نبوده‌اند. این نوع از هویت‌ها، هویت‌هایی ذاتی به شمار می‌آیند که فرد هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن‌ها نداشته، و آن‌ها را در خلال زندگی روزمره‌اش از محیط پیرامون، دریافت و بدون هیچ پرسشی در درون خود نهادینه می‌کرده است. در این نوع هویت‌ها هیچ‌گونه بازاندیشی‌ای در زمینه هویت رخ نمی‌داده است و «خود» فرد، تنها آن خودی بود که در فرآیند جامعه‌پذیری شکل می‌گرفته است. ب- هویت‌های جدید: در این نوع هویت‌ها که به نظر می‌رسد با توجه به نظریه گیدنز، خاص دوره مدرنیته باشند؛ سنت و طبیعت، مرجعیت خود را از دست داده و فرد در یک فضای آکنده از اطلاعات، به اندیشه در مورد خود و هستی خویش می‌پردازد. برخلاف

هویت‌های گذشته، فردی با هویت جدید، هیچ چیز مطلقاً را بر نمی‌تابد و با دیدی نسبی‌گرایانه به امور نگاه می‌کند. مطابق با آن چه گفته شد می‌توان هویت دینی و هویت ملی را نیز این‌گونه تقسیم‌بندی نمود: در هویت دینی و هویت ملی گذشته، آن چه را که در فرآیند جامعه‌پذیری به فرد منتقل شده است، بدون هیچ پرسشی از جانب وی پذیرفته و با دیدی مطلق‌نگریسته می‌شود؛ در حالی که در هویت دینی و هویت ملی جدید، دید مطلق‌گرایانه فرد جایش را به نسبی‌گرایی داده و پرسش‌گری فرد درباره محیط پیرامون و آتفاقی‌های اطرافش به کار افتاده است.

کولی: خود آینه‌سان

در نظریه خود آینه‌سان کولی (از نظریه‌پردازان مکتب کنش متقابل نمادین)؛ «خود» یک شخص، از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌کند. در سنت کنش‌متقابل‌گرایی که بیشتر به بررسی نقش افراد و تغییرپذیری، انگیزش و تفاوت‌ها با هویت می‌پردازد، از نظر کولی ۱، هویت تعریفی است که فرد به واسطه تعاملاتش با دیگران، و یا به عبارتی، با نگاه کردن در آینه دیگران، از خود به دست می‌آورد. این هویت، ضرورتاً اجتماعی است و در جریان تعاملات و ارتباطات اجتماعی، شکل گرفته، و فرد از آن آگاهی دارد (تنهایی، ۱۳۷۳: ۴۰۵). این مکتب بیشتر به بررسی نقش افراد و تغییرپذیری، انگیزش و تفاوت‌ها با هویت می‌پردازد و بازگو کننده نقش جامعه‌پذیری در فرآیند تعامل بین کنش‌گران اجتماعی می‌باشد. به نظر می‌رسد تعامل‌گرایان، عاملان شکل‌گیری جامعه‌پذیری را مواردی از قبیل گروه دوستان، خانواده، مدرسه، و ... بدانند. از نظر کولی، «خود»، نخست فردی و سپس اجتماعی نمی‌شود، بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می‌گیرد (تنهایی، ۱۳۷۳: ۴۰۵)؛ مطابق با نظر کولی، می‌توان گفت هویت یک فرد، همان خود آینه‌سان اوست که در جریان تعاملات فرد با دیگران شکل می‌گیرد (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۹۸)؛ بر این اساس، هویت، تعریفی است که فرد به واسطه تعاملاتش با دیگران، و یا به عبارتی، با نگاه کردن در آینه دیگران از خود به دست می‌آورد. این هویت، ضرورتاً اجتماعی است و در جریان تعاملات و ارتباطات اجتماعی، شکل گرفته و فرد از آن آگاهی دارد (توسلی، ۱۳۷۶: ۲۹۸). می‌توان گفت به اعتقاد کولی هر انسانی در ذهن دیگری وجود دارد و همین درک حضور، باعث درک خویشتن هر فرد اجتماعی می‌شود و این باعث می‌شود رفتار خود را بر اساس این حضور در ذهن دیگران تعیین نماید. به عبارت بهتر، مطابق با نظر کولی نیز، فرایند شکل‌گیری هویت برای افراد، فرایندی آگاهانه بوده و از طریق تعاملات اجتماعی و نگاه کردن به نوع رفتار و کنش‌های دیگران صورت می‌گیرد.

استرایکرا ۱: برجستگی هویت

استرایکرا با در نظر گرفتن «خود» به عنوان مجموعه‌ای متشکل از هویت‌های مجزا، افراد را به تناسب تعداد گروه‌هایی که با آن‌ها کنش متقابل دارند، دارای «خود» می‌داند (عالمی، ۱۳۸۰: ۷۴). برجستگی هویت برای یک شخص خاص را می‌توان احتمال این‌که یک هویت خاص در موقعیت احتمال جزئی مورد استناد قرار گرفتن یک هویت خاص -از میان هویت‌های مختلف وی- در یک موقعیت تعریف کرد. در مواقعی که همپوشی ساختی وجود دارد، سلسله‌مراتب برجستگی، یک پیش‌بینی‌کننده به طور بالقوه با اهمیت برای رفتار است. به میزانی که موقعیت‌ها به طور ساختی از یکدیگر منفک شده باشند، می‌توان انتظار داشت که این سلسله‌مراتب برجستگی با پیش‌بینی رفتار مرتبط باشد. از نظر استرایکرا، هویت پاسخ شناختی یک ارگانسیم ۲ به «خود»ش است. افراد همان‌گونه که هویت‌ها به اتکاء انرژی ذهنی و عاطفی به خودشان پاسخ می‌دهند، به محرک یا خواست برای کنش به «خود»شان نیز پاسخ می‌دهند، بنابراین می‌توان فرض کرد که روابط نظام-مندی میان این گونه‌های پاسخ به «خود» وجود دارد. به طور مشخص‌تر می‌توان انتظار داشت آن‌چه که افراد می‌خواهند و آن‌چه درباره خودشان احساس می‌کنند، می‌تواند به گونه‌ای نظام‌مند به انواع هویت‌هایی که خود می‌سازند پیوسته باشد (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). استرایکرا بر تمایز ساخت اجتماعی و فرهنگ با هویت و نیز تعدد هویت‌ها در نتیجه تعدد شبکه‌های متمایز روابط اجتماعی و موضوعی که فرد اشغال کرده و نقش بازی می‌کند تأکید داشت. در نظریه وی، «خود» دربردارنده مجموعه‌ای از هویت‌های جداگانه یا نام و نشان‌های نقش درونی‌شده و مفهوم‌سازی شده است و تعداد هویت‌های بالقوه افراد به تعداد سیستم‌های سازمان‌دهی‌شده و روابط نقشی‌ای است که افراد در آن‌ها شرکت دارند. بنابراین شخص ممکن است از هویت‌های مادری، همسری، شغلی، و ... غیره دم بزند (استرایکرا، ۱۹۹۲: ۸۳۷). استرایکرا همچنین بر تأثیر مثبت تعهد بر برجستگی هویت و تأثیر برجستگی هویت بر برجستگی نقش تأکید داشت (عالمی، ۱۳۸۰: ۷۷). بر اساس نظریه استرایکرا، هویت‌های متعددی در دسترس بوده و افراد دارای یک هویت نیستند، بلکه حائز هویت‌های متعددی هستند. افراد در موقعیت‌ها و زمان‌های متفاوت، هویت‌های متفاوتی را انتخاب می‌کنند و به عبارتی طی فرآیندی، یکی از هویت‌های شخص برجسته می‌شود. با نظر به آراء استرایکرا در زمینه برجستگی هویتی، می‌توان در باب رابطه هویت ملی و میزان دین‌داری این‌گونه استنباط کرد که میزان تعهد افراد به عناصر سازنده هویت ملی و میزان دین‌داری، در میزان برجستگی هر یک از این دو نوع هویت دخیل است. از آنجایی که گونه‌های مختلف هویتی در یک زمان و با هم می‌توانند

1 - Stryker, S.

2 - Organism

برجسته باشند، تعاملات اجتماعی افراد در گروه‌هایی که در آن‌ها کنش متقابل دارند، ممکن است موجب بروز تعهداتی برایشان شده و در نتیجه، به برجستگی چند گونه هویتی آن‌ها به صورت همزمان بینجامد. از تأثیر مثبت تعهد بر برجستگی هویت و بالعکس که مد نظر استرایکر است نیز می‌توان این‌گونه برداشت کرد که تعهد به دین و جامعه دینی می‌تواند به برجستگی دین‌داری؛ و تعهد به آداب و رسوم مربوط به یک سرزمین و فرهنگ خاص نیز به برجستگی هویت ملی بینجامد. بر این اساس می‌توان دو مقوله دین‌داری و هویت ملی را که بن‌مایه آن‌ها را عنصر «تعهد» تشکیل داده است، دارای رابطه‌ای مثبت و معنادار تلقی کرد.

جمع‌بندی نظری

از یک طرف، با تکیه بر مفهوم «هویت‌های جدید» در آراء گیدنز که محصول دوره جهانی‌شدن بوده و در آن‌ها پرسش‌گری و تفکر درباره هستی، نقش اصلی را ایفا می‌کند، و نظریه «خود آینه‌سان» کولی که بر مبنای شکل‌گیری هویت افراد از طریق تعامل با دیگران است می‌توان به این نتیجه رسید که کنشگران در زمینه هویت و در مجرای تعاملات اجتماعی، فعال هستند. به این معنا که هویت افراد بر اساس نوع تعاملات اجتماعی آن‌ها و توسط خودشان شکل می‌گیرد. از طرف دیگر، با توجه به نظرات استرایکر در زمینه برجستگی هویتی؛ تعهد به برجستگی هویتی و برجستگی هویتی به افزایش میزان تعهد می‌انجامد. به عبارت بهتر، افزایش تعهد به عناصر یک نوع هویت، منجر به برجستگی آن نوع هویت برای فرد خواهد شد. همانطور که ذکر شد، مفهوم تعهد در اکثر انواع هویت و بخصوص هویت دینی و هویت ملی، عنصری کلیدی است. کشور ایران از دیرباز دارای مردمی یکتاپرست و دین‌مدار بوده است و در این راستا، نموده‌های هویت ملی مانند آثار باستانی نیز در بن‌مایه‌ای از مذهب آغشته‌اند. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که هویت ملی و میزان دین‌داری به عنوان مقولاتی که عنصر تعهد در آن‌ها نقشی اساسی دارد، با نظر به پیشینه تاریخی-مذهبی کشور ایران که ملیت نیز به نمودی از مذهب تبدیل شده است تا حدودی با یکدیگر هم‌راستا هستند. در این راستا، می‌توان دو مقوله دین‌داری و هویت ملی را باعث تقویت همدیگر دانست و این فرضیه را طرح کرد که به نظر می‌رسد رابطه مثبت و معناداری بین میزان دین‌داری و هویت ملی دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود داشته باشد.

همچنین، در نظریه «خود آینه‌سان» کولی، هویت برساخته نگاه کردن در آینه دیگران است. به این معنا که افراد، هویت خود را در جریان تعامل با افرادی که با آن‌ها در تماس و تعامل هستند به دست می‌آورند. در این نظریه، تک افراد، برای یکدیگر به مثابه یک آینه هستند؛ آینه‌ای که موجب می‌شود ویژگی‌های هویتی را در آن دید. به نظر می‌رسد افراد مختلف، بیشتر با افراد هم‌سن،

هم‌محلّه و هم‌مقطع تحصیلی خود در ارتباط باشند. به عبارتی، این افراد هم‌سن، هم‌محلّه و هم‌مقطع هستند که به عنوان آینه‌ای برای یکدیگر قلمداد می‌شوند. بر این اساس، می‌توان این فرضیه‌ها را از نظریه خود آینه‌سان کولی استخراج کرد که به نظر می‌رسد بین میزان دین‌داری دانشجویان و سن آن‌ها رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ و میزان دین‌داری دانشجویان با توجه به محل سکونت و مقطع تحصیلی تفاوت معناداری دارد.

فرضیه‌های پژوهش

به نظر می‌رسد بین هویت ملی و میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج و سن آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج، با توجه به محل سکونت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج، با توجه به مقطع تحصیلی آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش، از روش پیمایشی و برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. جمعیت آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بوده که تعداد ۴,۱۹۵ نفر بوده است. واحد آماری پژوهش نیز یک نفر دانشجوی دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بوده است. بر اساس جدول لین ۱ (۱۹۸۶) و با در نظر گرفتن حجم جمعیت مورد مطالعه، سطح معنی‌داری، میزان همگنی و میزان خطای معنی‌داری، حجم نمونه پژوهش، ۳۸۱ مورد برآورد شده است که برای افزایش دقت به ۴۰۰ مورد ارتقاء یافت. روش نمونه‌گیری پژوهش نیز نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای ۲ بوده است.

در این پژوهش، از دو نوع اعتبار ۳ صوری و اعتبار تجربی بهره‌گیری شده است. جهت تعیین صوری پرسش‌نامه، از نظر چند تن از اساتید جامعه‌شناسی استفاده و نکات اصلاحی آن‌ها در پرسش‌نامه لحاظ گردید. در اعتبار تجربی نیز با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به ارزیابی اعتبار

1 - Line, N.

2 - Classified Multistage Random Sampling

3 - Validity

ابزار تحقیق پرداخته شد به این معنا که با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، تلاش شد تا به آزمون این مسئله پرداخته شود که آیا معرف‌های یک متغیر در تحلیل عاملی، قابلیت بار شدن روی یک عامل را دارند یا خیر. جهت تعیین اعتبار صوری و محتوایی پرسش‌نامه، از نظر اساتید مربوطه و جهت تعیین اعتبار سازه‌ای آن، از دو آزمون «کی ام او»^۱ و ضریب بارتلت^۲ استفاده شده است. در جدول ۱ آماره‌ی آزمون «کی ام او»، همچنین شاخص مجذور کای برای آزمون کروییت بارتلت و میزان واریانس تبیین شده توسط هر یک از متغیرها و عامل‌ها مشخص شده است.

جدول ۱: ضرایب «کی ام او»، «بارتلت» و سطح معنی‌داری متغیرهای تحقیق

متغیرها	KMO	Bartlett	Sg
دین‌داری	۰/۹۵۲	۵۶۳۶/۴۶۳	۰/۰۰۰
هویت ملی	۰/۹۰۹	۴۰۴۰/۲۷۹	۰/۰۰۰

رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش برای سنجش پایایی^۳ طیف لیکرت، ضریب آلفای کرونباخ است. در این پژوهش نیز برای شناخت میزان انسجام درونی (پایایی) گویه‌های متغیر مستقل و وابسته از آلفای کرونباخ استفاده شده که نتایج آن در جداول ۲ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود این ضریب برای متغیر دین‌داری، (۰/۹۳)؛ و برای ابعاد «اعتقادی»، «احساسی»، «پیامدی» و «مناسکی» آن نیز به ترتیب، (۰/۹۰)، (۰/۸۶)، (۰/۷۳) و (۰/۸۵) بوده است. همچنین، ضریب آلفا برای متغیر هویت ملی (۰/۸۸) و برای ابعاد «سرزمینی»، «سیاسی»، «تاریخی» و «فرهنگی» آن نیز به ترتیب، (۰/۸۳)، (۰/۷۱)، (۰/۷۱) و (۰/۸۳) بوده است.

پس از جمع‌آوری و گردآوری اطلاعات مورد نیاز و استخراج آن‌ها، داده‌ها جهت تجزیه و تحلیل، به نرم‌افزار «اس پی اس اس»^۴ انتقال داده شد و تحلیل یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه گردید.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

دین‌داری (وابسته): برای سنجش متغیر دین‌داری (وابسته)، از پرسش‌نامه گلاک و استارک^۵ (۱۹۶۵)، با ضریب آلفای ۰/۹۳ که در مطالعات تجربی سراج‌زاده (۱۳۷۵) با ضریب آلفای ۰/۹۴،

- 1 - KMO
- 2 - Bartlett
- 3 - Reliability
- 4 - SPSS
- 5 - Glock, C., & Stark, R.

طالبان (۱۳۷۹) با ضریب آلفای ۰/۹۳، غیائوند (۱۳۸۰) با ضریب آلفای ۰/۹۱، آهنکوب‌نژاد (۱۳۸۸) با ضریب آلفای ۰/۸۴ سراج‌زاده و مهدوی (۱۳۹۰) با ضریب آلفای ۰/۹۷ و احمدی و همکاران (۱۳۹۳) با ضریب آلفای ۰/۹۱ مورد استفاده قرر گرفته است، با اندکی دخل و تصرف استفاده شده است. این پرسشنامه، از چهار بُعد اعتقادی (۶ سؤال)، احساسی (۶ سؤال)، پیامدی (۶ سؤال)، و مناسکی (۵ سؤال) تشکیل شده است که گویه‌های آن، در سطح ترتیبی و در قالب ۲۳ گویه ۵ جوابی سنجیده شده است. روش نمره‌گذاری آن نیز به صورت کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱) بوده است.

جدول ۲: مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرهای دین‌داری و هویّت ملی

متغیرها	تعداد گویه	ضریب آلفا	ابعاد	ضریب آلفای ابعاد متغیرها
دین‌داری	۲۳	۰/۹۳۹	اعتقادی	۰/۹۰۵
			احساسی	۰/۸۶۰
			پیامدی	۰/۷۳۰
			مناسکی	۰/۸۵۵
هویّت ملی	۲۲	۰/۸۸۸	سرزمینی	۰/۸۳۷
			سیاسی	۰/۷۱۱
			تاریخی	۰/۷۱۸
			فرهنگی	۰/۸۳۸

بُعد «اعتقادی» دین‌داری: این بُعد در قالب ۶ گویه در زمینه‌هایی همچون اعتقاد به خدا، قرآن، بهشت و جهنم، نبوت، عدالت و امامت سنجیده شد.

بُعد «احساسی» دین‌داری: این بُعد از دین‌داری در قالب ۶ گویه در مورد احساس نزدیکی به خدا، احساس معنویت عمیق هنگام حضور در حرم ائمه، ترس از گناه، توبه، خواب‌های دینی؛ و احساس پوچی در صورت نبودن اعتقادات دینی سنجیده شد.

بُعد «پیامدی» دین‌داری: در این بُعد، نگرش پاسخ‌گویان در پیامدِ مواردی همچون بی‌حجابی، دروغ گفتن، غیبت کردن، مصرف مشروبات الکلی و نگرش آن‌ها در زمینه اجرای قوانین اسلامی در جامعه امروزی، در قالب ۶ گویه سنجیده شد.

بُعد «مناسکی» دین‌داری: این بُعد نیز در قالب ۵ گویه در زمینه مناسک فردی و جمعی همچون نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن تلاوت کردن شرکت در نماز جمعه و مراسم مذهبی مانند دعای کمیل و توسل سنجیده شد.

هویت ملی (مستقل): برای سنجش این متغیر از پرسش‌نامه سفیری و غفوری (۱۳۸۸)، که مقدار آلفا برای متغیرهای بُعد سرزمینی ۰/۸۴، بُعد سیاسی ۰/۸۹، بُعد تاریخی ۰/۷۵ و بُعد فرهنگی ۰/۷۹ بوده، با اندکی تقلیل در کمیّت گویه‌ها استفاده شده است. این پرسش‌نامه، از چهار بُعد سرزمینی (۶ سؤال)، سیاسی (۶ سؤال)، تاریخی (۴ سؤال)، و فرهنگی (۶ سؤال) تشکیل شده است که گویه‌های آن در سطح ترتیبی و در قالب ۲۲ گویه ۵ جوابی سنجیده شده است. روش نمره-گذاری آن نیز به این صورت بوده است: کاملاً موافقم (نمره ۵)، موافقم (نمره ۴)، بی‌نظر (نمره ۳)، مخالفم (نمره ۲) و کاملاً مخالفم (نمره ۱).

بُعد «سرزمینی» هویت ملی: این بُعد از هویت ملی در قالب ۶ گویه ۵ جوابی در مورد احساسات تعلق به سرزمین ایران، دفاع از آن در موقع لزوم، افتخار به سربلندی و یک‌پارچگی آن در طول تاریخ؛ و سنجش نگرش درباره‌ی ترک آن سنجیده شده است.

بُعد «سیاسی» هویت ملی: این بُعد از هویت ملی در قالب ۶ گویه ۵ جوابی در زمینه‌های افتخار به حکومت و دولت فعلی، لزوم شرکت در انتخابات و پیگیری مسائل روز و همچنین سنجش نگرش درباره‌ی قانون فعلی سنجیده شده است.

بُعد «تاریخی» هویت ملی: این بُعد از هویت ملی در قالب ۴ گویه ۵ جوابی درباره‌ی لزوم آگاهی از سرگذشت تاریخی کشور، بازدید از اماکن و آثار باستانی-تاریخی و اهمیّت مطالعه کتب تاریخی سنجیده شده است.

بُعد «فرهنگی» هویت ملی: این بُعد از هویت ملی در قالب ۶ گویه ۵ جوابی در زمینه‌های مربوط به فرهنگ، زبان، پرچم و ... سنجیده شده است.

محلّ سکونت (مستقل): برای سنجش این متغیر، از سؤال بستن با سطح سنجش اسمی استفاده شده است. به این صورت که از پاسخ‌گو خواسته شد تا یکی از گزینه‌های شهر (نمره ۱)، روستا (نمره ۲)، و یا سایر (نمره ۳) را علامت بزند.

مقطع تحصیلی (مستقل): برای سنجش متغیر میزان تحصیلات از یک سؤال با سطح سنجش اسمی استفاده شده است؛ به این صورت که از پاسخ‌گو خواسته شد که مقطع تحصیلی خود را از بین سه گزینه کارشناسی (نمره ۱)، کارشناسی ارشد (نمره ۲) و یا دکتری (نمره ۳)، مشخص کند.

یافته‌های توصیفی

همان‌طور که در جدول ۳ آمده است سنّ درصد بالایی از پاسخ‌گویان، بین ۱۸ تا ۲۴ سال (۷۸/۲۵٪)؛ سپس بین ۲۵-۲۹ سال (۱۶/۲۵٪)؛ و در نهایت ۳۰ سال به بالا (۵/۵٪) بوده است. بیشتر پاسخ‌گویان را مقطع کارشناسی با تعداد ۳۰۵ نفر (۷۶/۲۵٪)؛ و پس از آن، مقطع ارشد با

تعداد ۷۶ نفر (۱۹٪)؛ و در آخر، مقطع دکتری با تعداد ۱۹ نفر (۴/۷۵٪)، تشکیل داده است. محلّ سکونت تعداد قابل توجهی از پاسخ‌گویان (۷۸٪)، شهر، بعد از آن، روستا (۲۰/۲۵) و در آخر نیز مناطق عشایری (۱/۷۵) بوده است.

جدول ۳: فراوانی سن، مقطع تحصیلی و محلّ سکونت پاسخ‌گویان

متغیرها	وضعیت	فراوانی	درصد
سن	۱۸-۲۴ سال	۳۱۳	۷۸/۲۵
	۲۵-۲۹ سال	۶۵	۱۶/۲۵
	۳۰ سال به بالا	۲۲	۵/۵
	کل	۴۰۰	۱۰۰
مقطع	کارشناسی	۳۰۵	۷۶/۲۵
	ارشد	۷۶	۱۹
	دکتری	۱۹	۴/۷۵
	کل	۴۰۰	۱۰۰
محلّ سکونت	شهری	۳۱۲	۷۸
	روستایی	۸۱	۲۰/۲۵
	عشایری	۷	۱/۷۵
	کل	۴۰۰	۱۰۰

بر اساس نتایج حاصل در جدول ۴ که میزان دین‌داری و ابعاد آن در بین پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد، نمره دین‌داری ۵۵ نفر از پاسخ‌گویان (۱۳/۷۵٪) در سطح پایین، ۲۸۵ نفر (۷۱/۲۵٪) در سطح متوسط و ۶۰ نفر (۱۵٪) نیز در سطح بالا بوده است. در بُعد «اعتقادی» دین‌داری، نمره ۶۳ نفر (۱۵/۷۵٪) در سطح پایین، ۲۶۸ نفر (۶۷٪) در سطح متوسط و ۶۹ نفر (۱۷/۲۵٪) در سطح بالا بوده است. در بُعد «احساسی» دین‌داری، نمره ۵۴ نفر (۱۳/۵٪) در سطح پایین، ۲۷۹ نفر (۶۹/۷۵٪) در سطح متوسط و ۶۷ نفر (۱۶/۷۵٪) در سطح بالا بوده است. در بُعد «پیامدی» دین‌داری، نمره ۸۱ نفر (۲۰/۲۵٪) در سطح پایین، ۲۵۶ نفر (۶۴٪) در سطح متوسط و ۶۳ نفر (۱۵/۷۵٪) در سطح بالا بوده است. در بُعد «مناسکی» دین‌داری نیز، نمره ۶۴ نفر (۱۶٪) در سطح پایین، ۲۶۳ نفر (۶۵/۷۵٪) در سطح متوسط و ۷۳ نفر (۱۷/۲۵٪) در سطح بالا بوده است. چنان‌چه مشاهده می‌شود، میزان دین‌داری درصد بیشتری از پاسخ‌گویان، متوسط ارزیابی شده است. همچنین، درصد پاسخ‌گویان با میزان دین‌داری بالا، بیشتر از درصد پاسخ‌گویان با میزان دین‌داری پایین است. در مورد ابعاد دین‌داری نیز، میزان بُعد «احساسی» در بین پاسخ‌گویان، بالاترین و میزان بُعد «پیامدی»

پایین‌ترین سطح را داشته است. بُعد «پیامدی» دین‌داری نمود تأثیر اعتقادات افراد در رفتارهای آنان است. پائین بودن بُعد «پیامدی» دین‌داری که نگرش آن‌ها در زمینه اجرای قوانین اسلامی در جامعه امروزی است می‌تواند نشان کم‌کاری نهاده‌ها و سازمان‌های فرهنگی باشد.

جدول ۴: توزیع فراوانی دین‌داری و ابعاد آن در بین پاسخ‌گویان

کل	بالا	متوسط ط	پایین	متغیر دین‌داری و ابعاد آن	
				تعداد	دین‌داری (کلی)
۴۰۰	۶۰	۲۸۵	۵۵	تعداد	دین‌داری
۱۰۰	۱۵	۷۱/۲۵	۱۳/۷۵	درصد	(کلی)
۴۰۰	۶۹	۲۶۸	۶۳	تعداد	بُعد اعتقادی
۱۰۰	۱۷/۲۵	۶۷	۱۵/۷۵	درصد	
۴۰۰	۶۷	۲۷۹	۵۴	تعداد	بُعد احساسی
۱۰۰	۱۶/۷۵	۶۹/۷۵	۱۳/۵	درصد	
۴۰۰	۶۳	۲۵۶	۸۱	تعداد	بُعد پیامدی
۱۰۰	۱۵/۷۵	۶۴	۲۰/۲۵	درصد	
۴۰۰	۷۳	۲۶۳	۶۴	تعداد	بُعد مناسکی
۱۰۰	۱۸/۲۵	۶۵/۷۵	۱۶	درصد	

نتایج حاصل در جدول ۵ نیز میزان هویت ملی و ابعاد آن در بین پاسخ‌گویان را نشان می‌دهد؛ نمره هویت ملی ۵۴ نفر از پاسخ‌گویان (۱۳/۵٪) در سطح پایین، ۲۸۹ نفر (۷۲/۲۵٪) در سطح متوسط و ۵۷ نفر (۱۴/۲۵٪) نیز در سطح بالا بوده است. در بُعد «سرزمینی» هویت ملی، نمره ۶۸ نفر (۱۷٪) در سطح پایین؛ ۲۶۵ نفر (۶۶/۲۵٪) در سطح متوسط؛ و ۶۷ نفر (۱۶/۷۵٪) در سطح بالا بوده است. در بُعد «سیاسی» هویت ملی، نمره ۱۰۶ نفر (۲۶/۵٪) در سطح پایین؛ ۲۰۱ نفر (۵۰/۲۵٪) در سطح متوسط؛ و ۹۳ نفر (۲۳/۲۵٪) در سطح بالا بوده است. در بُعد «تاریخی» هویت ملی، نمره ۵۶ نفر (۱۴٪) در سطح پایین، ۲۵۴ نفر (۶۳/۵٪) در سطح متوسط؛ و ۹۰ نفر (۲۲/۵٪) در سطح بالا بوده است. در بُعد «فرهنگی» هویت ملی نیز، نمره ۶۱ نفر (۱۵/۲۵٪) در سطح پایین، ۲۳۴ نفر (۵۸/۵٪) در سطح متوسط؛ و ۱۰۵ نفر (۲۶/۲۵٪) در سطح بالا بوده است. در مورد میزان هویت ملی پاسخ‌گویان نیز، درصد بیشتری از پاسخ‌گویان، دارای هویت ملی متوسط ارزیابی شده‌اند؛ و درصد پاسخ‌گویان با میزان هویت ملی بالا، بیشتر از درصد پاسخ‌گویان با میزان هویت ملی پایین است. در بین ابعاد هویت ملی نیز بیشترین میزان را بُعد «فرهنگی» و کمترین میزان را بُعد «سیاسی» داشته است.

جدول ۵: توزیع فراوانی هویت ملی و ابعاد آن در بین پاسخ‌گویان

متغیر هویت ملی و ابعاد آن	پایین	متوسط	بالا	کل
هویت ملی (کلی)	تعداد	۵۴	۲۸۹	۴۰۰
	درصد	۱۳/۵	۷۲/۲۵	۱۴/۲۵
بعد سرزمینی	تعداد	۶۸	۲۶۵	۴۰۰
	درصد	۱۷	۶۶/۲۵	۱۶/۷۵
بعد سیاسی	تعداد	۱۰۶	۲۰۱	۴۰۰
	درصد	۲۶/۵	۵۰/۲۵	۲۳/۲۵
بعد تاریخی	تعداد	۵۶	۲۵۴	۴۰۰
	درصد	۱۴	۶۳/۵	۲۲/۵
بعد فرهنگی	تعداد	۶۱	۲۳۴	۴۰۰
	درصد	۱۵/۲۵	۵۸/۵	۲۶/۲۵

یافته‌های استنباطی

جهت تعیین نرمال بودن متغیرهای کمی پژوهش، از آزمون کولموگروف اسمیرنوف^۱ استفاده گردید و مشخص شد که توزیع این داده‌ها، نرمال است.

نتایج مندرج در جدول ۶ نشان می‌دهد رابطه معناداری بین هویت ملی و میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود داشت. به عبارت دیگر، هرچه هویت ملی دانشجویان، بالاتر باشد، دین‌داری آن‌ها نیز بالاتر؛ و بالعکس هرچه دین‌داری دانشجویان، پایین‌تر باشد، هویت ملی آن‌ها نیز پایین‌تر است. این فرضیه در تحقیق‌های علوی و همکاران (۱۳۸۹)، سفیری و معماریانی (۱۳۹۰)، امینی و همکاران (۱۳۹۳)، نیز تأیید شده بود. همبستگی مثبت و مستقیم بین این دو متغیر به معنای هم‌افزایی آن‌ها نسبت به یکدیگر است. مطابق با چارچوب نظری پژوهش نیز این نتیجه انتظار می‌رفت. به نظر می‌رسد دو متغیر هویت ملی و میزان دین‌داری در جمعیت آماری پژوهش، در هم بافته؛ و به لحاظ محتوایی، معنایی همسو با یکدیگر دارند. همانطور که برون‌داد اعتقاد به خدا، انسجام اجتماعی از طریق گرد هم آمدن افراد در مناسک مذهبی است، پیامدهای رفتاری-اجتماعی و احساس آرامش منتج از این اعتقاد نیز به نوعی منجر به همبستگی بین افراد هم‌کیش خواهد بود. از طرف دیگر، احساس تعلق به فرهنگ، زبان و آداب و رسوم سرزمینی خاص نیز می‌تواند کارکردی انسجام‌بخش برای افرادش داشته باشد.

1 - Kolmogorov-Simirnov Test

جدول ۶: نتایج ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان دین‌داری و هویت ملی

متغیر مستقل	تعداد پاسخ‌گو	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
هویت ملی	۴۰۰	۰/۵۱۵	۰/۰۰۰

آنچه در جدول ۷ آمده است نشان می‌دهد رابطه مثبت و معناداری بین ابعاد چهارگانه دین‌داری با ابعاد «سرزمینی»، «سیاسی» و «فرهنگی» هویت ملی وجود داشته است. ولی هیچ همبستگی‌ای بین بعد «تاریخی» هویت ملی با ابعاد دین‌داری وجود نداشت. به نظر می‌رسد ابعاد هویت ملی با ابعاد دین‌داری مرتبط و همبسته باشند. شخص دین‌دار به وجود خدا معتقد است (بعد اعتقادی)، ذکر خدا به وی آرامش می‌دهد (بعد احساسی)؛ بنابراین مناسک دینی را برای کسب آرامش بیشتر بجا می‌آورد (بعد مناسکی) و به آموزه‌های فردی و اجتماعی آن در عرصه عمل پایند خواهد بود (بعد پیامدی). شخصی با هویت ملی قابل قبول نیز به کشورش احساس تعلق دارد (بعد سرزمینی)، نسبت به مسائل روز جامعه‌اش پیگیر است (بعد سیاسی)، به اماکن، کتب و آثار تاریخی اهمیت می‌دهد (بعد تاریخی) و به فرهنگ، پرچم و زبان ملی کشورش احترام می‌گذارد (بعد فرهنگی). به نظر می‌رسد در صورتی که تاریخچه کشور فرد دیندار با دین آمیخته باشد، هویت ملی او نیز همراستا با دین‌داری‌اش، رشد قابل توجهی خواهد داشت؛ و بر عکس، برای فردی که هویت ملی بالایی دارد، آن‌چه که همراستا با تاریخ، فرهنگ، زبان و نوع حکومت کشورش باشد، محرکی مثبت تلقی خواهد شد. عدم وجود همبستگی بین بعد «تاریخی» هویت ملی با ابعاد دین‌داری می‌تواند ناشی تناقض در داده‌ها و سرگذشت تاریخی کشور با آن‌چه در دین‌داری روی آن تأکید می‌شود باشد. همانطور که در بیان مسئله هم اشاره شد، در تاریخ ایران، حکومت‌هایی وجود داشته است که سعی در کنار زدن نمودهای مذهبی داشته و به عبارتی، در جهت زدودن فرهنگ اسلامی تلاش کرده‌اند. بر این اساس، می‌توان نبود همبستگی بین ابعاد دین‌داری با بعد «تاریخی» هویت ملی را در این راستا تحلیل کرد.

آماره‌های مندرج در جدول ۸ نیز نشان می‌دهد هیچ‌گونه رابطه معناداری بین میزان دین‌داری و سن دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود نداشت. نتیجه‌ی این فرضیه در راستای پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۳) بود. این وضعیت شاید به دلیل فاصله کم سنی و همگنی آن‌ها در این زمینه باشد. از سوی دیگر می‌توان این تحلیل را در این راستا مبنا قرار داد که آموزه‌های مکتب اسلام، مختص سن خاصی نیست و به همین دلیل، محتوای اسلام به لحاظ سنی تمایزبردار نیست.

جدول ۷: نتایج ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین ابعاد دین‌داری و ابعاد هویت ملی

ابعاد هویت ملی				
فرهنگی	تاریخی	سیاسی	سرزمینی	
۰/۰۰۰	۰/۵۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	اعتقادی
۰/۰۰۰	۰/۰۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	احساسی
۰/۰۰۰	۰/۹۶۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	پیامدی
۰/۰۰۰	۰/۴۳۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	مناسکی
تعداد: ۴۰۰ همبستگی: در سطح ۰/۰۱ (دو دامنه)				

جدول ۸: نتایج ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین میزان دین‌داری و سن پاسخ‌گویان

متغیر مستقل	تعداد پاسخ‌گو	ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری
سن	۴۰۰	-۰/۰۰۴	۰/۹۳۵

آماره (۰/۰۸۶) در جدول ۹ نشان می‌دهد بین میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج با توجه به محل سکونت آن‌ها تفاوت معناداری وجود نداشته است. بر اساس چارچوب نظری پژوهش؛ و بنا بر اعتقاد کولی، هر انسانی در ذهن دیگری وجود دارد و همین درک حضور، باعث درک خویشتن هر فرد اجتماعی شده و باعث می‌شود رفتار خود را بر اساس این حضور در ذهن دیگران تعیین نماید. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، رفاهی و ... که بین ساکنان شهری، روستائی و عشایری با یکدیگر وجود دارد و با توجه به خصوصیات خاص ساکنان هر کدام این مناطق، که می‌تواند منجر به بازسازی خود این افراد بر اساس آینه دیگران باشند، به نظر می‌رسید هر کدام از دسته‌های شهری، روستائی و عشایری به لحاظ میزان دین‌داری با یکدیگر متفاوت باشند. امری که در این پژوهش رد شد. این یافته نشان می‌دهد میزان دین‌داری به مناطق جغرافیایی مختلف وابسته نیست.

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد بین میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه یاسوج با توجه به مقطع تحصیلی آن‌ها نیز تفاوت معناداری وجود نداشته است. بر اساس چارچوب نظری پژوهش، سطح ارتباطات دانشجویان هر کدام از مقاطع تحصیلی با یکدیگر، بیش از سایر مقاطع است و همین باعث می‌شود بازاندیشی هویتی برای افراد هر مقطع تحصیلی بر اساس حضور در میان افراد همان مقطع صورت گیرد. این یافته که برخلاف چارچوب نظری پژوهش بود نشان می‌دهد که مقاطع تحصیلی نیز توان افتراق در دین‌داری افراد را نداشته‌اند.

جدول ۹: نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه رابطه دین‌داری پاسخ‌گویان، با توجه به محل سکونت آن‌ها

محل سکونت	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار	F	si g
شهری	۳۱۲	۷۸	۸۳/۶۶	۱۸/۱۰	۲/۴۷۳	۰/۰۸۶
روستایی	۸۱	۲۰/۲۵	۸۷/۷۶	۱۸/۱۱		
عشایری	۷	۱/۷۵	۹۳/۲۸	۱۲/۷۵		
کل	۴۰۰	۱۰۰	۸۴/۶۶	۱۸/۱۰		

جدول ۱۰: نتایج آنالیز واریانس یک‌طرفه تفاوت در دین‌داری پاسخ‌گویان، با توجه به مقطع تحصیلی

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار	F	Sg
کارشناسی	۳۰۵	۷۶/۲۵	۸۴/۵۹	۱۷/۹۱	۲/۶۹۱	۰/۰۶۹
ارشد	۷۶	۱۹	۸۷/۰۲	۱۸/۰۳		
دکتری	۱۹	۴/۷۵	۷۶/۳۱	۱۹/۸۶		
کل	۴۰۰	۱۰۰	۸۴/۶۶	۱۸/۱۰		

در نهایت، با توجه به آزمون رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام که در جدول ۱۱ آمده است، مشخص گردید که در تبیین دین‌داری، علاوه بر هویت ملی که قادر به تبیین ۲۶/۴ درصدی آن بوده است؛ دو متغیر سکونت شهری و مقطع تحصیلی دکتری نیز توانسته‌اند هر کدام به میزان ۰/۶ درصد دیگر به قدرت پیش‌بینی اضافه کنند. با توجه به این‌که بر اساس مدل رگرسیونی تنها ۲۷ درصد از واریانس متغیر وابسته (دین‌داری) در این تحقیق توسط متغیرهای مورد مطالعه تبیین شده‌اند، شرایط و عوامل دیگری، در کنار این عوامل مورد مطالعه، نیز نقش مهمی در دین‌داری دارند که ۷۳ درصد را به خود اختصاص می‌دهند و می‌تواند مرتبط با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و سایر ویژگی‌های دانشجویان باشند. نکته مهم در نتایج تحلیل رگرسیون، این بود که متغیر مقطع تحصیلی به تنهایی با دین‌داری رابطه‌ای نداشت ولی مقطع تحصیلی دکتری در معادله رگرسیونی چون در تعامل با دیگر متغیرها قرار گرفت، از ضریب بتای قابل توجهی (۰/۰۸۵-) برخوردار شد. این یافته نشان می‌دهد که اگر چه سطح سواد می‌تواند با دین‌داری مغایرتی نداشته باشد، ولی زمانی که در تعامل با ویژگی‌های دیگری قرار بگیرد، ممکن است افزایش آن با کاهش دین‌داری همراه باشد.

جدول ۱۱: نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره عوامل مؤثر بر دین‌داری

Sig	F	R2.adj	R2	R	sig	T	Beta	
-	-	-	-	-	۰/۰۰۰	۴/۹۴	-	ثابت
۰/۰۰۰	۱۴۳/۸۸	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۵۱۵	۰/۰۰۰	۱۱/۹۹	۰/۵۱۱	هویت ملی
۰/۰۰۰	۷۴/۹۱	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۵۲۳	۰/۰۴۳	-۲/۰۳	۰/۰۸۷	سکونت- شهری
۰/۰۰۰	۵۱/۶۲	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۵۳	۰/۰۴۸	-۱/۹۸	-۰/۰۸۵	مقطع دکتری

تحلیل نتایج

این مقاله بر آن بود تا به ارزیابی و تحلیل رابطه دین‌داری و هویت ملی دانشجویان بپردازد. در این میان برخی فرضیه‌های زمینه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفت. مرور نظریه‌ها نشان داد انواع مختلف هویت برای افراد، نه در طول، که در عرض هم قرار دارند. به این معنا که شخص به صورت همزمان می‌تواند دارای چندین نوع هویت ملی، دینی، فرهنگی، شغلی و ... باشد. شکل‌گیری و برجستگی هویتی نیز وابسته به ویژگی‌های فعال بودن فرد، درگیر بودن در تعاملات اجتماعی و دارا بودن میزانی تعهد است. نکته مهم در این زمینه این است که «فعال بودن» و «دارا بودن میزانی از تعهد» فقط شروط لازم و نه شروط کافی‌اند. این موارد در جریان «تعاملات اجتماعی» خواهد بود که می‌توانند منجر به شکل‌گیری و رشد هویت شوند. اگرچه مؤلفه‌های هویتی (ملی، دینی، قومی، جمعی و...) نیاز به واکاوی و تبیین علمی داشته؛ ولی اشتراکات محتوایی آن‌ها همواره هم‌سویی‌شان را به ذهن متبادر ساخته و این پیش‌فرض که «باعث هم‌افزایی یکدیگر می‌شوند» را در پی داشته است. «احساس تعلق» عنصری مشترک در اکثر انواع هویت است. در بحث هویت ملی، نوک پیکان این احساس به سمت سرزمین مشترک و در مقوله دین‌داری به سمت مذهب و جامعه مذهبی است. حال اگر تاریخ یک سرزمین (که از نمودهای هویت ملی است)، در فضایی دینی (که از عناصر هویت دینی و دین‌داری است) آغشته باشد این هم‌افزایی بیشتر به ذهن متبادر خواهد گشت. مطابق با نظریه‌های هویت‌گیدنز، خود آینه‌سان کولی و برجستگی هویتی استرایکر انتظار می‌رفت رابطه معناداری بین میزان دین‌داری و هویت ملی دانشجویان دانشگاه یاسوج وجود داشته باشد. همچنین، بر اساس نظریه خود آینه‌سان کولی انتظار می‌رفت بین میزان دین‌داری دانشجویان، با توجه به سن، محل سکونت، و مقطع تحصیلی آن‌ها، تفاوت معناداری وجود داشته باشد؛ ولی فقط فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر احتمال وجود رابطه معنادار بین هویت ملی و میزان دین‌داری دانشجویان، تأیید شد. این یافته هم‌راستا با نتایج تحقیقات افروغ و احمدلو (۱۳۸۱)، لطف‌آبادی و نوروزی (۱۳۸۳)،

حیدری و همکاران (۱۳۹۲) امینی و همکاران (۱۳۹۳)، علوی و همکاران (۱۳۸۹) و سفیری و معماربانی (۱۳۹۰) سورک و کوبانوا (۲۰۰۹) و آکالیسکی (۲۰۱۲) و در تعارض با نتایج پژوهش‌های حافظنیا و کاویانی (۱۳۸۵)؛ و موحد و صالحی (۱۳۹۲) بوده است. دیگر فرضیه‌ها همسو با نتایج تحقیق امینی و همکاران (۱۳۹۳) رد شدند. هویت در نگاه گیدنز، در دوران جدید، هویتی بازتابی و بازاندیشانه است. در این راستا می‌توان چنین استدلال نمود که دانشجویان به عنوان نسلی از جامعه که بیشتر با عناصر و فناوری‌های تمدنی جدید در ارتباط است، در پرتو ارتباط با شرایط جدید به بازاندیشی هویتی می‌پردازند و همه ابعاد هویتی آن‌ها اعم از هویت ملی و هویت دینی و ... مرتبط با شرایط جدید شکل می‌گیرد و در این شرایط، خود ابعاد هویتی افراد نیز به شکل متوازی در پیوند با شرایط جدید تحول می‌یابند. به گونه‌ای که در این پژوهش، دین‌داری و هویت ملی از همبستگی مثبت برخوردار بوده‌اند. یکی از ستون‌های انکارناپذیر منتج از آموزه‌های مکتب اسلام، انسجام‌بخشی آن نسبت به جامعه بوده است. انسجام‌بخشی کارکردی است که نیازمند سازوکاری حساب‌شده در تمام زوایای زندگی فردی و اجتماعی است. این کارکرد مذهب در بخش‌های اعتقادات و احساسات (به عنوان موارد فردی) و مناسک دینی و پیامدهای رفتاری اعتقادات (به عنوان موارد اجتماعی) به قدری موج می‌زند که همواره مردم در جوامع دینی، احساساتی مشترک نسبت به همدیگر و نسبت به مذهب داشته‌اند. در ارتباط با هویت ملی نیز اهمیت اصلی مباحث مربوط به سرزمین، فرهنگ و زبان، حکومت و تاریخ یک کشور به انسجام‌بخشی آن است؛ انسجامی که برای افرادی است که در هرکدام از مؤلفه‌های ذکر شده اشتراک داشته باشند. با پیروزی انقلاب اسلامی، به عنوان نظامی اسلامی که در پی انسجام‌بخشی به جامعه مسلمین است. این کارکرد مذهب، پررنگ‌تر شده و در این راه از ویژگی‌های سرزمینی، فرهنگی، زبان، حکومت و تاریخچه ایران برای ایجاد انسجام بهره‌گیری بیشتری نیز کرده است. به نظر می‌رسد دو مقوله‌ای که کارکردی مشترک داشته باشند، خاصیتی هم‌افزا نیز نسبت به یکدیگر خواهند داشت. دین‌داری به عنوان بخشی از هویت دینی در بردارنده عناصری از جمله «اعتقاد به خدا»، «احساس آرامش نسبت به وجود خدا»، «در قید مناسک و شعائر مذهبی بود» و «اعمال هم‌راستا با این اعتقادات» است. از سوی دیگر، هویت ملی نیز حائز خصوصیتی مانند «احساس تعلق به سرزمین واحد»، «احساس غرور نسبت به فرهنگ»، «زبان»، «تاریخ» و «بالیدن به حکومت» است. در جامعه‌ای که مردم، روحیه‌ای دیندار و معتقد به مذهب و اخلاقیات دارند؛ و در عین حال، این جامعه تحت سیطره حکومتی بی‌اعتنا به دین باشد، منطقاً دو مقوله «دین‌داری» و «هویت ملی»

1 - Sorek, T., & Ceobanu, A. M.

2 - Akaliyski, P.

نه تنها به هم‌افزایی نمی‌انجامند که ممکن است نسبت به یکدیگر خاصیتی کاهنده نیز به خود گیرند. همان‌گونه که در بیان مسأله اشاره شد، به نظر می‌رسد که توجه و تأکید بر بعد تاریخی هویت ملی در بین برخی از افراد جامعه همراه با دین‌داری بالا نیست. تقابل ایرانی و انیرانی از دیرباز در جامعه ایرانی وجود داشته و با وجود کم‌رنگ شدن در دوره پس از اسلام، هیچ‌گاه به صورت کامل کنار گذاشته نشده است و برخی از معتقدان به محوریت فرهنگ و تمدن ایرانی در منطقه خاورمیانه همراهی چندانی با آموزه‌های دینی ندارند و آن را به عنوان نوعی رویکرد رقیب با ایرانی‌گری تلقی می‌کنند. با نگاهی به تاریخ کشور ایران می‌توان دریافت اگرچه در برخی دوره‌های تاریخی نقش دین در ساختار مدیریتی جامعه کم‌رنگ بوده است ولی هویت دینی و دین‌داری هیچ‌گاه کنار گذاشته نشده است و برخی از آموزه‌های دینی با فرهنگ و هویت ایرانی آمیخته شده است و این پیوند دین و هویت ملی لزوماً بنا به خواست حاکمیت‌های سیاسی نبوده است. شرکت گسترده مردم در آئین‌های ماه محرم و یا ماه رمضان و همچنین عید فطر نمونه‌هایی از همگرایی ایرانیان با آموزه‌ها و باورهای دینی است. بنابراین، می‌توان دین‌داری و هویت ملی مردم ایران را بنا به این دلیل، هم‌راستا و هم‌افزای یکدیگر، در بسیاری از ادوار تاریخ دانست. این رابطه با شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران و با روی کار آمدن حکومتی اسلامی صورت شفاف‌تری به خود گرفته است؛ به گونه‌ای که نتایج اکثر تحقیق‌های انجام شده در زمینه رابطه «هویت دینی» و «هویت ملی» به هم‌افزایی این دو تأکید داشته است.

پیشنهادهای پژوهشی: ۱- بخش زیادی از مطالعات در زمینه هویت ملی و دین‌داری در ایران با رویکرد کمی انجام پذیرفته است، در حالی که واکاوی ژرف این موضوع و شناخت معانی ذهنی شهروندان جامعه نیازمند بهره‌گیری از روش‌های کیفی و همچنین مطالعات ترکیبی است تا این موضوعات از زوایای گوناگون مورد ارزیابی قرار گیرند.

۲- مطالعه در زمینه هویت ملی بیشتر در سطح رساله‌های دانشجویی و پروژه‌های پژوهشی کم‌دامنه انجام شده است، پیشنهاد می‌گردد این موضوع مهم به صورت ادواری توسط نهادهای علمی و اجرایی مرتبط در قالب مطالعات ملی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادهای کاربردی: ۱- با توجه به یافته پژوهش مبنی بر نبود رابطه معنی‌دار بین بعد تاریخی هویت ملی و دین‌داری؛ که ناشی از تقابل رویکرد تاریخی و هویت باستانی ایرانی و هویت دینی از نوع اسلامی آن است، پیشنهاد می‌گردد متولیان امور مذهبی نسبت به ترویج آموزه‌هایی در راستای نزدیکی پیروان دو دسته دین‌محور و یا ایران‌محور اقدام نمایند و از سوی دیگر اندیشمندان حوزه تاریخ و تمدن ایرانی، ماهیت دین‌محوری جامعه ایرانی و نبود تعارض ماهوی بین هویت تاریخی ایران و دین‌داری را برای نسل جوان تبیین نمایند.

۲- نظر به اهمیت عناصر هویت ملی برای پویایی و انسجام جامعه ایرانی؛ ضرورت دارد در برنامه‌های درسی پیش از دانشگاه و دانشگاه توجه بیشتری به جایگاه تمدن ایرانی و ضرورت پاسداشت و انتقال این میراث به نسل‌های آینده انجام شود. ۳- با توجه به نتیجه تحقیق و این‌که هویت ملی و دین‌داری در طول هم قرار دارند، ضرورت دارد سیاست‌گذاران مذهبی و ملی کشور عناصر هویت ملی در جامعه را بیش از گذشته مورد توجه قرار دهند و از ترویج برخی دیدگاه‌های افراطی که توجه به هویت ملی را در برنامه‌های فرهنگی برنمی‌تابند، خودداری کنند.

منابع

- آهنکوب‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۸). «مطالعه میزان پایبندی دینی جوانان شهر اهواز، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه»، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص: ۲۴-۱.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳). منابع قومی ناسیونالیسم، ترجمه منصور انصاری، مؤسسه مطالعات ملی.
- اشرفی، ابوالفضل (۱۳۷۷). «بی‌هویتی اجتماعی و گرایش به غرب: بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگی غربی (رپ و هوی متال) در تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: عماد افروغ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدلو، حبیب؛ و افروغ، عماد (۱۳۸۱). «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، مطالعات ملی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص: ۱۴۳-۱۰۹.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰). بنیادهای هویت ملی ایرانی (چاپ دوم)، زمستان ۱۳۹۰، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- احمدی، سیروس؛ میرفردی، اصغر و ابتکاری، محمدحسین (۱۳۹۳). «بررسی رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی (مورد مطالعه: شهر یاسوج)»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۴، سال بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۳، صص: ۱۶-۱.
- امینی، محمد؛ رحیمی، حمید و مزروعی، حسن (۱۳۹۳). «تحلیل و ارزیابی هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال چهارم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۳، صص: ۴۳۴-۴۱۳.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۳). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: نشر مرنیدز.
- توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۱). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرازه.
- چیت‌ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۳). گسست نسلی در ایران: افسانه یا واقعیت، به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی جهاد دانشگاهی.

- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۸۰، صص: ۲۲۸-۱۹۳.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ و کاویانی، مراد (۱۳۸۵). «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ». مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۱، صص: ۴۶-۱۵.
- حیدری، آرمان؛ سیدمحمدالله اکوانی و مریم سروش (۱۳۹۲). «بررسی رابطه دین‌داری با هویت ملی (نمونه مورد مطالعه: جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر شیراز)»، همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی، تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، http://www.civilica.com/Paper-GHOMIYAT01-GHOMIYAT01_011.html
- رضایی، احمد و احمدلو، حبیب (۱۳۸۴). «نقش سرمایه اجتماعی در روابط بین قومی و هویت ملی (بررسی جوانان تبریز و مهاباد)»، مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۴، صص: ۳۳-۷.
- ریتزر، جرج (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- سراج‌زاده، سید حسین (۱۳۷۵). «بررسی رابطه دین‌داری و بزه‌کاری دانش‌آموزان دبیرستان‌های تهران»، اداره آموزش و پرورش تهران.
- سراج‌زاده، سیدحسین و مهدوی، محمدصدیق (۱۳۹۰). «مقایسه تجربی معیارهای دین‌داری از نظر روحانیون و دانشگاهیان»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۰، صص: ۴۰-۲۵.
- سفیری، خدیجه و غفوری معصومه (۱۳۸۸). «بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، بهار و تابستان ۱۳۸۸، دوره ۲، شماره ۲، صص: ۲۷-۱.
- سفیری، خدیجه و معماربانی، زهره (۱۳۹۰). «بررسی هویت دینی و ملی دختران و پسران مقطع متوسطه، با تأکید بر پایگاه اقتصادی و اجتماعی (مطالعه موردی مناطق دو و یازده تهران)»، فصلنامه خانواده، شماره ۳ و ۴، صص: ۳۱-۷.
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴، صص: ۶۶-۳۴.
- طالبان، محمد رضا (۱۳۷۹). «بررسی تجربی دین‌داری نوجوانان کشور»، گزارش پژوهشی، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
- عالم، عبدالرحمان (۱۳۷۷). بنیادهای علم سنت، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- علوی، سید سلمان؛ جنتی‌فرد، فرشته و محمدرضا مرآئی (۱۳۸۹). «مقایسه‌ی هویت ملی و مذهبی در افراد معتاد به اینترنت و غیر معتاد». جامعه‌ی پژوهش فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص: ۱۱۹-۱۰۷.
- غیاثوند، احمد (۱۳۸۰). «بررسی فرآیند جامعه‌پذیری دینی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: زهره اخوان‌مقدم، استاد مشاور: غلامرضا خوشفر، دانشگاه تهران.

- کمیجانی، امیرحسین؛ مظاهری، محمدعلی؛ حاتمی، جواد؛ شگری، امید و نجات، پگاه (۱۳۹۳). «سازمان-یافتگی پارادایم‌گونه هویت دینی و مدرن در هویت نسل جوان»، پژوهش‌های روان‌شناختی اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۳، صص: ۱۴۲-۱۲۷.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۳). «گفتمان‌های هویت‌ساز در عصر جهانی‌شدن»، مجموعه مقالات جهانی‌شدن و هویت، تهران: نشر مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موقفیان، تهران: نشر نی.
- لطیفی، حسین و نوروزی، وحیده (۱۳۸۳). «بررسی چگونگی نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی ایران به جهانی‌شدن و تأثیر آن بر ارزش‌ها و هویت دینی و ملی آنان». فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۹، سال سوم، پائیز ۱۳۸۳، صص: ۸۸-۱۱۹.
- موحد، مجید و صالحی، رزگار (۱۳۹۲). «دین‌داری و نگرش نسبت به هویت ملی در میان نوجوانان شهرهای بانه و قروه». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، سال چهارم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۲، صص: ۱۷۲-۱۵۱.
- میرفردی، اصغر و ولی‌نژاد، عبدالله (۱۳۹۵). " بررسی هویت ملی و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)", فصلنامه مطالعات ملی، سال هفدهم، شماره ۳ (پیاپی ۶۷)، پاییز ۱۳۹۵، صص: ۱۱۸-۱۰۳.
- هیوز، استوارت (۱۳۶۹). آگاهی در جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، چاپ اول، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰) «روابط بین‌قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۰، صص: ۴۲-۱۱.
- Akaliyski, P. (2012). Religion and National Identity in Europe. European Societies Seminar of Religiosity, Churches and Sects in Europe, 11/9/ 2012.
- Glock, C., & Stark, R. (1965). Religion and society in Tension. Chicago: Rand McNally.
- Heilman, E. (1998). The Struggle for Self power and Identity in Adolescent Girls, Youth & society, Vol. 3, No. 2, pp. 67-92.
- Ivekovic, Ivan. (2002). Nationalism and the political Use and Abuse of Religion: The Politicization of Orthodoxy, Catholicism and Islam in Yugoslav Successor State. Social Compass, Vol. 49, N. 4, pp. 523-536.
- Lin, N. (1976), Foundation of Social Research. New York: MC-Graw Hill.
- Miller, D. (1995), On nationality. Oxford: Clarendon Press.
- Mitchel, P. (2011). National identity. London: Oxford University Press.
- Purdie, N., & Wilss, L. (2007). Australian National Identity: Young Peoples, Conceptions of What It means to be Australian. National Identities, Vol. 9, No. 1, pp. 67-82.

- Rieffer, Barbara-Ann J. (2003), Religion and Nationalism: Understanding the Consequences of a Relationship. *Ethnicities*, Vol. 3, pp. 215-242.
- Rodriguez, L., Schwartz, S., J, Whit, B., & Susan, K. (2010). American identity revisited: The relation between national, ethnic and personal identity in a multiethnic sample of emerging adults. *Journal of Adolescent Research*, Vol. 25, No. 2, pp. 324-349.
- Sorek, T., & Ceobanu, A. M. (2009). Religiosity, National Identity and Legitimacy: Israel as an Extreme Case, *Sociology*, Vol. 43, pp. 477-496.
- Strikers, S., Burke, P, (2000), The Past, Present and Future of Social Identity Theory. *Social Psychology Quarterly*, Vol. 63, No. 4, pp. 284-297.
- Thompson, A. (2001), National Identities and Human Agency. *The Sociological Review*, Vol. 49. No. 1, Feb 2001, pp. 67-87.
- Williams, E. Francis, L. & Robbins, M (2006). Rejection of Christianity and Self-Esteem, *North American Journal of Psychology*, Vol. 8, No. 1, pp. 193-196.